



اعتراض خوارج به امیرالمؤمنین(ع)؛ بهانه‌گیری قاریان دنیازده زاهدنما

اعتراضات سران خوارج که قاریانی به ظاهر زاهد بودند، به امیرالمؤمنین(ع)، ناشی از دنیازدگی این افراد بود و به دلیل این که دیدند که در حکومت امیرمؤمنان علی(ع) منافع مالی‌شان تأمین نمی‌شود، به دشمنی با حضرت پرداختند و مسائل پیش آمده در صفین را بهانه کردند.

اعتراضات سران خوارج که قاریانی به ظاهر زاهد بودند، به امیرالمؤمنین(ع)، ناشی از دنیازدگی این افراد بود و به دلیل این که دیدند که در حکومت امیرمؤمنان علی(ع) منافع مالی‌شان تأمین نمی‌شود، به دشمنی با حضرت پرداختند و مسائل پیش آمده در صفین را بهانه کردند.

به گزارش خبرگزاری بین‌المللی قرآن (ایکنا)، پنجمین پیش‌نشست همایش #171؛ جامعه قرآنی، بصیرت؛ رسالت‌ها و آسیب‌ها؛ تحت عنوان #171؛ جامعه قرآنی در گذر تاریخ؛ راهبردهایی برای امروز؛ با سخنرانی محمدحسین رجبی‌دوانی، عضو هیئت علمی دانشگاه امام حسین(ع) و پژوهشگر تاریخ اسلام در خبرگزاری ایکنا برگزار شد. بخش پیشین این نشست را اینجا بخوانید!

بنا بر این گزارش، رجبی دوانی در بخشی از سخنان خود در این نشست در مورد دوره خلافت امیرمؤمنان علی(ع) گفت: در این دوره بسیاری از قاریان و حافظان بزرگ با آن حضرت همراه و همگام هستند؛ مانند کمیل بن زیاد نخعی، عبدالله بن بدیل خزاعی، میثم تمار و چهره‌های برجسته‌ای که با امیرمؤمنان علی(ع) همراهند و مدافع حضرت هستند.

وی افزود: البته تا این زمان کوفه، بصره، مدینه، مکه و دمشق مرکز چهره‌های بزرگی از قاریان و حافظان قرآن شده بود؛ اما متأسفانه اکثر این افراد، به علت این‌که با اهل بیت(ع) مراوده‌ای نداشتند، از هدایت قرآن هم محروم بودند و فقط به ظواهر قرآن و قرائت، حفظ و آموزش آن، بدون توجه به محتوای الهی‌اش، می‌پرداختند. می‌توان گفت که اگر آنان محتوای واقعی قرآن را درمی‌یافتند، قطعاً دنباله‌رو اهل بیت(ع) می‌بودند؛ منتها ما می‌بینیم که در عین حافظ قرآن بودن به دشمنی با امیرمؤمنان علی(ع) و اولاد طیبین و طاهرینش هم برمی‌خیزند.

اصل قضیه این است که این افراد [یعنی خوارج] قرآن را از مسیر الهی آن، یعنی از راسخون فی العلم و اهل بیت(ع)، فرا نگرفته‌اند. آن‌ها حافظ و قاری شدند اما به انحطاط کشیده شده و دنیازده شدند

عضو هیئت علمی دانشگاه امام حسین(ع) با اشاره به فتنه جمل یا فتنه پیمان‌شکنان و ناکثین که طلحه و زبیر به عنوان قاریان و کاتبان وحی و عایشه که او هم از قاریان برجسته قرآن در بین زنان به حساب می‌آمد، در رأس آن قرار داشتند، بیان کرد: در سپاه امیرمؤمنان علی(ع) در جنگ جمل نیز گروهی از قاریان قرآن از کوفه و مدینه حضور دارند. عده‌ای از قاریان که تحت تأثیر طلحه و زبیر و عایشه به جنگ وارد شده‌اند، با این‌که سخنان و احتجاجات امیرمؤمنان علی(ع) را می‌شنوند، در روز نبرد جمل و حتی پیش از این‌که جنگ آغاز شود و حالت جنگی به خود بگیرند، حاضر نیستند که دلایل امام(ع) را بپذیرند و می‌گویند که ما باید به مدینه برویم و تحقیق کنیم.

رجبی دوانی ادامه داد: در واقع این افراد قرآن مسلم و مجسم را که امیرمؤمنان علی(ع) باشد، اعتباری قائل نیستند و سخنان حضرت را سند نمی‌دانند و می‌گویند باید به مدینه برویم و راجع به قاتلان عثمان بررسی کنیم تا یقین پیدا کنیم و جالب است که نتیجه تحقیق آن‌ها این است که امیرمؤمنان علی(ع) و اتباعش، در قتل عثمان دخیل بوده‌اند و لذا خود را مجاز می‌دانند که با امیرمؤمنان علی(ع) بجنگند.

این محقق و پژوهشگر تاریخ اسلام با اشاره به نبرد صفین گفت: در این جنگ سه گروه قاریان قرآن در سپاه امیرالمؤمنین(ع) حضور دارند؛ گروهی تحت فرماندهی عمار یاسر، گروهی تحت فرماندهی عبدالله بن بدیل خزاعی و گروهی هم تحت امر قیص بن سعد بن عبادہ انصاری؛ بنابراین در حقیقت گردان از قاریان قرآن تشکیل شده بود. عبدالله بن بدیل به عنوان قاری راستین قرآن، چنان شجاعت‌هایی از خود در صفین نشان داد که هیچ کس در نبرد حریف او نبود. او در دو دست صلاح گرفته بود و می‌جنگید و هر کس

هم به مضاف او آمد، از پا درآمد؛ لذا معاویه فریاد زد که این‌گونه حریف او نیستید و او را سنگ‌باران کنید و این مرد بزرگ الهی را، در حالی که سنگباران می‌شد، به شهادت رساندند.

وی از یکی دیگر از یاران امیرالمؤمنین(ع) به نام هاشم بن عتبة بن ابی‌وقاص معروف به هاشم مرقال نام برد و گفت: هاشم مرقال پسر عموی عمر بن سعد است و عمر بن سعد نیز فرزند سعد بن ابی‌وقاص. همچنان که گفته شد سعد وقاص نیز از مسلمانان باسابقه و قراء معروف است، اما برادر او که پدر هاشم مرقال باشد، عتبه است که از دشمنان اسلام و مستهزئان پیغمبر(ص) بود و ایشان را بسیار آزار و اذیت می‌کرد، اما هاشم مرقال که پسر او بود به بهترین شیعیان و از اصحاب امیرالمؤمنین علی(ع) بدل شد.

رجبی دوانی با اشاره به مجاهدت‌های عجیب هاشم مرقال در صفین گفت: او همراه با گروهی از قاریان می‌جنگید؛ قاریانی از قبیله اسلم که همه آن‌ها هم به شهادت رسیدند و وقتی امیرالمؤمنین(ع) بر این‌ها که وارد شد و پیکر مطهر این شهدای قاریان قرآن را دید، جمله‌ای دارند که جالب است و فرمودند که خدا جماعت اسلمیان را جزای خیر دهد که با چهره‌های تابناک گرد هاشم مرقال به خاک افتاده‌اند. این در حالی بود که افراد زیادی به شهادت رسیده بودند اما به دلیل این‌که این‌ها قاریان قرآن بودند و گرد هاشم مرقال به شهادت رسیده بودند، حضرت این گونه از آنها تجلیل کرد.

وی با اشاره به حضور برخی از قاریان قرآن در سپاه معاویه گفت: جالب است که بدانید برخی از این قاریان شام چون از اندکی اخلاص برخوردار بودند، وقتی که حقیقت امیرالمؤمنین(ع) را دیدند، لشکر معاویه را ترک کرده و به ایشان پیوستند. اما گروهی از قاریان نیز که بعضاً شاگردان عبدالله بن مسعود بودند، در لشکر امیرالمؤمنین(ع) حضور داشتند که از بصیرت کافی برخوردار نبودند.

سعد وقاص نیز از مسلمانان باسابقه و قراء معروف است، اما برادر او که پدر هاشم مرقال باشد، عتبه است؛ که از دشمنان اسلام و مستهزئان پیغمبر(ص) بود و ایشان را بسیار آزار و اذیت می‌کرد، اما هاشم مرقال که پسر او بود از بهترین شیعیان و از اصحاب امیرالمؤمنین علی(ع) درآمد

این محقق و پژوهشگر تاریخ اسلام از ربیع بن خثیم یا همان خواجه ربیع مدفون در مشهد به عنوان یکی از قاریان و شاگردان عبدالله بن مسعود نام برد و بیان کرد: پیش از آن‌که امیرالمؤمنین(ع) بخواهد به صفین بیاید و در حالی که فرمان آماده باش داده بود، ربیع بن خثیم به عنوان یکی از زهاد، عباد و قاریان کوفه حاضر نشد فرمان امیرالمؤمنین(ع) را اطاعت کند و گفت که ما حاضر نیستیم با کسانی که مثل ما اهل قرآن هستند، بجنگیم و برای این که نشان دهد که نمی‌خواهد از امام(ع) سرپیچی کند، گفت که ما را به مرزها بفرستید تا برابر کفار باشیم. حضرت نیز به دلیل این‌که ربیع فرد موجهی بود و خیلی‌ها تحت تأثیر او قرار گرفته بودند، چنان‌که گفته شده که بیش از 4 هزار نفر تحت تأثیر سخنان ربیع بن خثیم قرار گرفتند و به جهت این‌که این جریان نیز خود تبدیل به یک فتنه نشود، موافقت کرد که آن 4 هزار نفر، به فرماندهی همین فردی که ما به عنوان خواجه ربیع می‌شناسیم، به مرزهای دیلم روانه شوند. ربیع بن خثیم بعدها در زمان معاویه به طرف خراسان رفت و همان‌جا از دنیا رفت.

رجبی دوانی افزود: گروهی از این قاریان که باید گفت به دلیل این که حضرت را اطاعت کرده و به صفین آمدند، وضعی بهتر از خواجه ربیع داشتند، به علت نداشتن بصیرت کافی، مقابل توطئه معاویه در به نیزه زدن قرآن‌ها، فریب خوردند و جنگ صفین را که در آستانه پیروزی کامل امیرمؤمنان(ع) بود، تبدیل به آتش‌بسی ناهنگام و بی‌جهت کردند که در نتیجه، همه آن کارها به نفع معاویه رقم خورد و حضرت از آن اقتداری که داشت و پیروزیش مسلم بود، به جایی رسید که حالا يك مدعی خلافت در کنار معاویه به حساب می‌آمد. این ضربه بسیار بزرگ و بدی بود که به امیرمؤمنان(ع) وارد شد و این افراد نیز در آن نقش داشتند.

وی با اشاره به این‌که برخی از این قاریان، قبلاً در قیام بر علیه عثمان نیز شرکت کرده و در مدینه برای براندازی عثمان حضور داشتند، به او حمله‌ور شده بودند، عنوان کرد: همین قاریان وقتی که در صفین قرآن‌ها را به نیزه دیدند، امیرمؤمنان(ع) را تهدید کردند که یا جنگ را متوقف می‌کنی یا با تو همان کاری را می‌کنیم که با عثمان کردیم و این عین تعبیر آن‌هاست. در نتیجه حضرت مجبور به توقف جنگ شد و در نهایت امر نیز همین افرادی که می‌گفتند ما مثل شامی‌ها اهل قرآن هستیم و خواهان این بودند که قرآن را حکم قرار دهند، وقتی حضرت حکمیت را پذیرفت و نتیجه آن در قالب يك قرارداد، توسط اشعث بن قیس قرائت شد، همین افراد گفتند که چرا مردانی را در امری که مربوط به خداست حکم قرار دادید و لذا بر ضد حضرت خروشیدند.

عضو هیئت علمی دانشگاه امام حسین(ع) با بیان این‌که همین قاریان بی‌بصیرت بودند که خوارج را پدید آوردند، با اشاره به برخی از چهره‌های برجسته خوارج، عنوان کرد: شبت بن ربیع ریاحی یکی از افرادی است که قاری و حافظ قرآن بود و در کوفه مسجدی داشت و از سرشناسان این شهر بود. در احوال او گفته‌اند که نمازی خواند که بعید می‌دانم خود بنده تا آخر عمر هم بتوانم چنین نمازی را

بخوانم؛ در این نماز، در رکعت اول، بعد از حمد، سوره بقره را خواند و در رکعت دوم سوره آل عمران را؛ یعنی حافظ قرآن بود و دارای چنین عباداتی. اما همین شب از پدیدآوردگان خوارج است و وقتی خوارج در حرور مستقر شدند، اول می‌خواستند که او را رهبر خود کنند که نپذیرفت و بعد فقط پذیرفت که به عنوان فرمانده نظامی آنها باشد. اما در زمان جنگ نهروان هم با زیرکی خود را کنار کشید و از مهلکه گریخت.

وی در ادامه با اشاره به برخی دیگر از قاریان خوارج گفت: شریح بن ابی‌أوفی عیسی هم از قاریان قرآن است و در مخالفت با عثمان به مدینه رفته بود و از پدیدآوردگان خوارج نیز هست و در مقابل حضرت می‌ایستد. زید ابن حصین طاعی نیز از قاریان و چهره‌های برجسته و جزء سران خوارج است. مسعر بن فدکی تمیمی هم قاری معروفی در کوفه بود و عبدالله بن وهب راسبی

رجبی دوانی با اشاره به این‌که در تاریخ اسلام دو نفر به ذوالثغفات معروف هستند، بیان کرد: ذوالثغفات یعنی کسی که در اثر کثرت سجده دارای پینه‌های فراوان به پیشانی است. یکی از این افراد عبدالله بن وهب راسبی است و دیگری امام سجاد(ع). عبدالله بن وهب رهبری کل خوارج را به عهده گرفت و در جنگ نهروان به هلاکت رسید و وقتی حضرت امیرالمؤمنان(ع) جسد او را دید، تأسف خورد و فرمود: این برادر راسبی حافظ کل قرآن بود.

وی با بیان این‌که جنگ با امیرالمؤمنین علی(ع) در واقع جنگ با قرآن بود، این را نشان از بی‌بهره‌گی این افراد از قرآن در عین حافظ و قاری بودن دانست و اظهار کرد: اگر ما به وضعیت این‌ها دقت کنیم، می‌بینیم که اصل قضیه این است که این افراد قرآن را از مسیر الهی آن، یعنی از راسخون فی العلم و اهل بیت(ع)، فرا نگرفته‌اند. آن‌ها حافظ و قاری شدند، اما به انحطاط کشیده شده و نیازده شدند.

رجبی دوانی با اشاره به این‌که علامه طباطبائی رضوان الله تعالی علیه همین سران خوارج و قاریان به اصطلاح زاهد را آلوده به دنیا معرفی می‌کند، گفت: به بیان علامه این قاریان زاهد، نیازده شده بودند و چون دیدند که در حکومت امیرمؤمنان علی(ع) منافع مالی‌شان تأمین نمی‌شود، به دشمنی با حضرت پرداختند و آن مسائل را مطرح کردند. از دید علامه آن چه این افراد مطرح کردند بهانه بود و به دلیل این‌که حکومت حق امیرمؤمنان علی(ع) منافع این به ظاهر قاریان و حافظان را تأمین نمی‌کرد، قرآن به نیزه‌زدن‌ها را بهانه کردند و با حضرت جنگیدند.